

هل الإنسان أصله قرد !!؟

آيا اصل انسان، ميمون است!!؟

نحن سماويون، أصلنا سماوي، وخلقنا في السماء الأولى وكان امتحاننا الأول فيها وهو امتحان الذر الذي ذكر في القرآن، فنحن أنفس وليس أجساداً أرضية فقط، أبونا آدم (عليه السلام) خلق من طينة رفعت إلى السماء الأولى ووضعت في باب الجنة، عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام)، قال: [كانت الملائكة تمر بآدم (عليه السلام) أي بصورته وهو ملقى في الجنة من طين فتقول لأمر ما خلقت] (١)، ومن ثم نفخت الروح في هذه الطينة المرفوعة وخلق آدم وخلقت منه حواء، وسكن آدم وحواء في الجنة الدنيوية التي في السماء الأولى ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿البقرة: ٣٥﴾ ، ﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى﴾ ﴿طه: ١١٧﴾ .

(١). المصدر (الراوندي - قصص الأنبياء): ص 41.

ما آسمانى هستيم و اصل ما از آسمان است. ما در آسمان اول خلق شده ايم و اولين امتحانمان نيز كه امتحان در عالم ذر مي باشد و در قرآن از آن ذكرى بهميان آمده، در همان جا برگزار شده است. بنا بر اين ما نفس هستيم، نه فقط جسدهايي زميني. پدر ما آدم (عليه السلام) از گلي كه به آسمان اول بالا برده شد (مرفوع شد) و بر درب بهشت قرار داده شد، خلق شده است. امام جعفر صادق (عليه السلام) مي فرمايد: [فرشتگان از کنار آدم

(عليه السلام) یعنی صورت وی عبور می‌کردند، در حالی که او در بهشت از خاک آفریده شده بود. ملائکه می‌گفتند: برای چه خلق شده‌ای؟ [۱] ، سپس روح در این گل رفع شده دمیده شد و آدم از آن آفریده شد و حوا نیز از او خلق شد. آدم و حوا در بهشت دنیوی در آسمان اول سکنا گزیدند. ﴿و به آدم گفتیم که با همسر خویش در بهشت بیارام و بخورید از آن گوارا آنچه خواهید و نزدیک نشوید بدین درخت که می‌شوید از ستمگران﴾
 ﴿البقرة: ۳۵﴾ ، ﴿پس گفتیم ای آدم همانا این است دشمنی برای تو و همسرت ، هان تا برون نکند شما را از بهشت که تیره‌بخت شوی﴾
 ﴿طه: ۱۱۷﴾ .

(۱). منبع (راوندي - قصص الأنبياء): ص ۴۱.

ثم نحن بنو آدم خلقنا الله في السماء الأولى في عالم الذر وامتحننا المتحان الأول ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ ﴿الأعراف: ۱۷۲﴾ ،
 ووجودنا الأرضي وجود طارئ ومؤقت وليس دائماً ولا أدياً ولا حتى ستكون لنا عودة لنفس هذه الأرض للعيش بعد الموت إذا كنا ممن يختار إنسانيته وينبذ الحيوانية الأرضية التي اتصلنا بها ليمتحننا الله سبحانه، فكيف يمكن والحال هذه أن ينسب الإنسان السماوي إلى الحيوانية الأرضية التي اتصلت بها نفسه لإجراء الامتحان الثاني، فمسألة أصل أجسامنا وتطورها عن كائن آخر في الأرض لا تغير شيئاً في حقيقة أن أصلنا سماوي، هذا إضافة إلى أن نسبة جسم الإنسان في التطور إلى القرد الحالي مباشرة أمر خاطئ ومن يقوله مخطئ، فإذا كان جسم الإنسان متطوراً كغيره من الكائنات الحية فلا يمكن أن ينسب إلا إلى البذرة الأولى

كما قال تعالى: ﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾، ولا يصح أن ينسب إلى الحالات الوسطية في تطوره مع بقية الكائنات.

سپس خداوند، ما فرزندان آدم را در آسمان اول در عالم ذر خلق فرمود و ما را با نخستین امتحان آزمود: ﴿﴾ و هنگامی که بگرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان نژاد ایشان را و گواشان گرفت بر خویشان آیا نیستم پروردگار شما گفتند بلی گواهی دادیم تا نگوئید روز قیامت بودیم ما از این ناآگاهان ﴿﴾ (الأعراف: ۱۷۲) ﴿﴾، وجود زمینی ما، وجودی است که به صورت موقتی پدید آمده و همیشگی و ابدی نیست، و حتی به همین زمین باز نمیگردیم تا پس از مرگ در آن زندگی کنیم؛ البته اگر از جمله افرادی باشیم که انسانیت خویش را برگزیده و حیوانیت زمینی خود را که با آن در ارتباطیم رها کرده باشیم؛ حیوانیتی که خداوند سبحان، به واسطه آن ما را امتحان می‌کند. به این ترتیب چگونه ممکن است انسان آسمانی به حیوانیت زمینی نسبت داده شود که نفسش برای اجرای امتحان دوم به این حیوانیت متصل شده است؟! و مقولهء اصل و منشأ جسم‌های ما و نیز نحوهء تکامل آن از موجودی دیگر بر روی زمین، هیچ تغییری در این واقعیت که ما آسمانی هستیم، به وجود نمی‌آورد. از سوی دیگر، نسبت دادن مستقیم جسم انسان در فرآیند تکامل به میمون امروزی اشتباه است و کسانی که به چنین چیزی معتقدند، راه خطا می‌پیمایند. اگر جسم انسان همانند دیگر موجودات زنده تکامل یافته باشد، باید فقط به همان بذر اولیه نسبت داده شود؛ همانگونه که خدای متعال می‌فرماید: ﴿و خدا شما را چون نباتی از زمین برویانید﴾ و صحیح نیست که او را به وضعیت‌های میانه ای که به هنگام تکاملش به همراه دیگر موجودات داشته است، نسبت دهیم.

نعم، يمكن أن ينسب للحالة الأخيرة التي سبقت انتقاله إلى إنسانيته، وهذه الحالة جسمانياً لا فرق بينها وبيننا، فهي حالة جسمانية إنسانية تامة فعلى مستوى (الهومو سابينس) فهم يمتلكون أجساماً مكتملة وأشكالهم بشرية، بل (الهومو إركتس) الذين ظهروا قبل مليوني عام تقريباً أشكالهم قريبة جداً منا، بل إنَّ الأرديبيثيكوس (آردي) الذي يعود لما قبل (4.4) مليون سنة كان يمشي على قدمين وله أنياب صغيرة مثلنا تماماً ومنه تطور الإنسان علمياً، فبحسب علماء الأحياء بما أننا الوحيدون من الثدييات الذين نمشي على قدمين منتصبين فيكون آردي سلفنا بالخصوص، وبهذا فلا يمكن والحال هذه أن يقال: إنَّ جسم الإنسان تطور عن قرد يشبه هذه التي تدور حولنا الآن، وهو قول غير صحيح ولا ملازمة بينه وبين نظرية التطور، فلماذا قرد مثلاً بالتحديد؟! إذا كان الأمر هو الرجوع إلى الحالات الوسطية لماذا لا يقال: إنَّ الإنسان تطور من سمكة على اعتبار أنها حالة ووسطية واقعة في طريق التطور، ولماذا لا يقال تطور عن (الهومو إركتس) وهم حالة ووسطية أيضاً في طريق تطور الإنسان، وهي أقرب بكثير من الحالة الشبيهة بالقرد؟ لماذا القرد بالتحديد هل هي محاولة للتنفير والإزعاج فقط!!! وهل هي محاولة لإبعاد الناس عن العلم والمعرفة ومحاولة إبقائهم أبعد فترة ممكنة في غياهب الجهل!!! في حين أنَّ الأبحاث العلمية في التطور الآن تنفي مسألة تطور الإنسان عن الشمبانزي بل تقول إنَّ الإنسان وبقية القرود العليا تعود إلى أصول مشتركة.

أرى، ما ميتوانيم انسان را به آخرين حالتى كه طى آن به انسانيت منتقل شد، در نظر بگيريم و فرقى بين اين حالت جسمانى و ما انسانهاى كنونى وجود ندارد؛ اين حالت، حالتى انسانى متكامل ميباشد. اگر به «هومو

سپینس» بپردازیم، میبینیم که آنها بدن های تکامل یافته ای دارند و از ظاهری انسانگونه برخوردارند. حتی «هومو ارکتوس» نیز که حدود دومیلیون سال پیش پدیدار شده بودند، ظاهری بسیار شبیه به ظاهر ما داشتند؛ و حتی از نظر علمی، انسان از «آردی پیتیکوس» (#) (آردی) که ۴/۴ میلیون سال پیش میزیسته، بر دو پا راه میرفته و دندانهای نیش کوچکی، کاملاً شبیه دندانهای ما داشته، تکامل پیدا کرده است. طبق نظر زیستشناسان، از آنجا که ما تنها پستاندارانی هستیم که بر روی دو پا راه میرویم و راست قامتیم، به طور خاص آردی میتواند جدّ ما محسوب گردد. بنابراین نمیتوان گفت که بدن انسان از میمون‌هایی که شبیه همین میمون های دور و بر ما است، تکامل یافته است. این سخنی است نادرست و بین پذیرش آن و نظریهء تکامل هیچ ارتباطی وجود ندارد. ضمناً چرا به عنوان مثال در این فرآیند دقیقاً از میمون نام برده میشود؟! اگر قضیه مربوط به مراحل میانی است، چرا گفته نمیشود که انسان از ماهی تکامل یافته؟ زیرا ماهی نیز در میانهء مسیر تکامل انسان قرار دارد! چرا از «هومو ارکتوس» که این نیز در میانهء این راه واقع شده است، ولی بسیار بیشتر از میمون به انسان شباهت دارد، سخن نمی گویند؟! چرا به طور خاص از میمون نام می‌برند؟ آیا این ترفندی برای تحریک کردن و نفرت‌زایی نیست؟! و آیا این کار تلاشی برای دور نگاه داشتن مردم از دانش و معرفت و وانهادن آنها در اعماق تاریکی های جهل بشمار نمی رود؟! این در حالی است که بررسی های علمی در خصوص تکامل، امروزه نه تنها تکامل انسان از شامپانزه را رد می‌کند، بلکه مدعی است انسان و دیگر انسانواره‌ها دارای اصل و نسب مشترکی می‌باشند.

(#)-آردیپیکتوس (Ardipithecus) نام سرده ای از انسانواره ها است.
